

بررسی ملاحظات فقهی و حقوقی اهدای اسپرم در درمان ناباروری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

خلاصه

مقدمه: امروزه زوجین دارای شرایط درمان ناباروری با دخالت شخص سوم مطابق نوع روش درمان به چهار دسته تقسیم می‌گردند که این چهار گروه عبارتند از: اهدای اسپرم، اهدای تخمک، اهدای جنین و رحم استیجاری. هر کدام از این روش‌ها نیز با چالش‌های فقهی و حقوقی خاص خود روبرو هستند. ما در این مقاله سعی داریم تا ابعاد فقهی و حقوقی اهدای اسپرم را بررسی کنیم. در مقایسه چهار روش اخیر، دو روش اهدای جنین و رحم استیجاری با کمترین چالش‌ها و مشکلات فقهی و حقوقی روبرو بود اما اهدای اسپرم همچنان از نظر فقهی و حقوقی بحث برانگیز است. مسائلی از جمله ارث، نسبت پدری و مادری، وراثت از در خصوص اهدای اسپرم و از منظر فقهی هنوز حل نشده‌اند. مسئله حرمت باروری از طریق اسپرم اهدایی نیز از جمله مسائل نو هست که توسط مجتهدین با امر اجتهاد به عنوان یکی از شاخصه‌های اهل تشیع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مقاله حاضر با رویکردی فقهی و حقوقی در صدد بررسی ابعاد، چالش‌ها و آثار اهدای اسپرم است.

کلمات کلیدی: اهدای اسپرم، ناباروری، چالش‌های فقهی، چالش‌های حقوقی

پی نوشت: این مطالعه فاقد تضاد منافع می‌باشد.

مهدی غفوری زاد^{*۱}

افسانه امیریان^۱

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان (خوراسگان)، ایران

نویسنده مسئول: مهدی غفوری زاد، دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان (خوراسگان)، ایران

Email: ghafourizad231@yahoo.com

مقدمه

قرار دادن مایع منی در داخل واژن، از قدیمی ترین روش های باروری غیر طبیعی است و با عنوان انتقال منی از راه مساحقه^۱ از فقه امامیه و «استدخال منی» در فقه شافعی تناسب دارد. مسئله استدخال الماء^۲ که در فقه شافعی و یا «جذب الماء» در فقه شیعه که نوعی تولید نسل به شیوه غیر طبیعی بوده، با روش تلقیح مصنوعی شباهت های زیادی دارد. مثلاً شافعی ها می گویند: اگر چیزی مانع ارتباط و اتصال مستقیم شود، استدخال منی مشروع است و زوج می تواند به وسیله ابزاری، منی خود را به رحم زوجه اش منتقل کند، مشروط به آنکه زوجیت صحیحی وجود داشته باشد. اما تلقیح مصنوعی و باروری به کمک ابزار پزشکی به شیوه ای که امروز مطرح است در روایات سابقه ای نداشته و در فقه نیز، جز در عصر حاضر پیشینه ندارد، اما با عنایت به اصول و کلیات فقه شیعه، مانند علتها و حکمتها، مصالح و مفاسد احکام، قواعد عام باب نسب و الحاق ولد، عده، استبرای کنیز و ... و ادله و روایات خاص مرتبط به شیوه های غیرطبیعی تولید مثل می توان احکام و آثار باروری پزشکی را استنباط کرد. ذر واقع در تشیع به واسطه وجود امری به نام اجتهاد امکان پژوهش و بررسی کامل و جامع مسائل تو پیدا که جامعه با آنها مواجه می شود وجود دارد. پرسش های نو پیدای هر موضوعی، آنگاه نو پدید آیند که حکم شرعی بطلند، خواه آنکه پیش تر حکم شرعی برای آن پرسش ها وجود نداشته و خواه که حکم شرعی برای آنها وجود داشته اما پاره ای از قیده های آنها دگرگون شده است.^۲ مسئله حلیت و حرمت باروری از طریق اسپرم اهدایی نیز از این دست مسائل نو هست که توسط مجتهدین با امر اجتهاد به عنوان یکی از شاخصه های اهل تشیع مورد بررسی قرار می گیرد. اجتهاد نیز در فقه شیعه به معنای به معنای به کار گیری تدبر و تعقل در فهم ادله شرعی جهت دستیابی به احکام شرعی است.^۳

اولین بار در بین مسلمانان علامه شیخ محمد مصری نظر داد که تلقیح با اسپرم غیر شوهر در هر صورت که باشد حرام است و اگر این کار با آگاهی باشد، رابطه نامشروع و زنا محصنه است، به دنبال فراگیر شدن این مسئله شورای فقه اسلامی سازمان اجلاس اسلامی به اتفاق آراء تمام کشورها تلقیح اسپرم غیر شوهر به هر صورت ممکن که باشد را حرام نمود؛ و از آن پس علمای اهل سنت نظرات خود را درباره این مسئله بیان نمودند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

در مصر علامه شلتوت در خصوص تلقیح به وسیله اسپرم مرد بیگانه، چنین اظهار کرده است: «ان التلقیح الصناعی اقطع جزءه من البتی، یعنی تلقیح مصنوعی یقیناً از فرزندخواندگی پست تر است.»^۴ همچنین ایشان در ادامه می گوید: «زمانی که تلقیح با اسپرم مرد اجنبی باشد، انسان را از سطح انسانی خارج می کند و این عمل در نظر شریعت گناهی بزرگ است، که با زنا در یک چارچوب قرار می گیرد و حقیقت شأن و نتیجه شان یکی است، چون قرار دادن اسپرم مرد اجنبی است در رحمی که بین آن دو ارتباط به سبب عقد زوجیت شرعی نیست. اگر در صورت جریمه کوتاهی نبود حکم تلقیح در این حالت حکم زنا بود.»^۵ شیخ مصطفی زفاه می گوید: «ممکن نیست این صورت مثل زنا حقیقی مباشر باشد. چون در آن رکن معروف زنا که دخول و مباشرت است، نیست و ممکن نیست که قائل به استحقاق عقوبت به حد زنا که شرع در حالت زنا حقیقی، واجب دانسته شویم. فقط این عمل چون ممنوع بوده، اگر انجام شود مستوجب تعزیر است.»^۶

بررسی تاریخی تلقیح اسپرم بیگانه در ایران

در ایران برای اولین بار آیت الله موسوی بجنوردی درباره حلیت و جواز باروری از طریق اسپرم اهدایی در سال ۱۳۷۱ صحبت کردند، و آیت الله خامنه ای نیز در سال ۱۳۷۲ اش در نظریه فقهی

۴. ریاضت، زینب، (بهار ۱۳۹۱)، چالش های فقهی، حقوقی و اخلاقی تلقیح مصنوعی و رویارویی با حق باروری زوجین نابارور، فصلنامه حقوق پزشکی، ش ۷۷، ص ۸۱

۵. محلاتی، شهریانو، (۱۳۸۴)، بررسی خلاءهای قانونی حقوق کودک (۱)، ناشی از تلقیح مصنوعی، تهران، نشر شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ص ۶۵.

۶. محمود شلتوت، (۱۳۸۱)، الفتاوی، زاهدان، نشر صدیقی، ص ۳۲۸.

۷. مصطفی، زفاه (بیتا)، خلق الانسان بین الصلب و القرآن، مجله الامه القطریه، ص ۵۱۸.

۱. رضائامعلم، (۱۳۸۶)، باروری های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، قم، نشر بوستان کتاب، ص ۳۶۱.

۲. ناصر مکارم شیرازی، پاییز ۱۳۷۵، پرسشهای نو پیدا، فقه اهل بیت، ش ۷، ص ۸۷.

۳. عباس، نیکزاد، سید غلامعلی، جورسرای، تابستان ۱۳۸۶، بررسی احکام وضعی اهدای گامت،

مجله دانشگاه علوم پزشکی بابل، دوره نهم، ش ۳، ص ۵۶.

شماره ۸۱۲۵، در پاسخ به سؤال ریاست بیمارستان تخصصی زنان میرزا کوچک خان فرمودند: تلقیح نطفه اجنبی به رحم زن، فی نفسه موجبی برای منع ندارد، ولی از مقدمات حرام باید اجتناب نمود.^۱ بنابراین چنین شائبه‌ای که مقام معظم رهبری جواز انواع تلقیح مصنوعی را در راستای رسیدن به هدف افزایش جمعیت صادر کرده‌اند، با توجه به تاریخ صدور فتوا مورد پذیرش نیست، چراکه سال مذکور ابتدای سال‌های آغاز فعالیت سیاست‌های کاهش جمعیت بوده است.

به طوری که در سال ۱۳۶۹ شورایی به نام شورای "تحدید موالید" با تصویب دولت و به ریاست وزیر بهداشت تشکیل شد. اهداف این شورا، کاهش تولد، کاهش میزان جمعیت، افزایش مصرف روشهای جلوگیری از بارداری در میان زنان متأهل و کاهش بارداری عمومی بود و در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۲ قانون تنظیم خانواده مشتمل بر ۴ ماده و ۲ تبصره در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در ۲ خرداد ۱۳۷۲ به تأیید شورای نگهبان رسید. بر اساس این قانون تمام امتیازات متعلق به فرزندان سوم به بعد حذف و محدودیت‌هایی برای کثرت اولاد در نظر گرفته شد.^۲

این نظریه معظم له، در آبان ۱۳۷۳ به شماره ۱۱۰۱۷ و در دی ماه همان سال به شماره ۱۱۶۱۲ در پاسخ به سؤال یکی از متخصصان نازایی و در سال ۱۳۷۴ به شماره‌های ۱۱۸۵۷ / ۶ و ۱۱۸۵۷ / ۵ و ۱۱۸۷۱ / ۲ نیز مورد تأکید قرار گرفته است. معظم له در یک سخنرانی که در ۱۶ آبان ۱۳۷۴ ایراد فرمودند، به بعضی از مبانی این نظریه فقهی و اجتهادی توجه داده و می‌فرمایند: « دلیل روشنی بر حرمت انجام این گونه امور (استفاده از اسپرم و تخمک غیر همسر) نداریم، هزاران نفر از انسانها شب خوابشان نمی‌برد، چون بچه ندارند، مگر می‌شود این گونه عمل کرد.»^۳ از دیگر تحولاتی که در پاسخ به سؤالات راجع به لقاح از طریق گامت اهدایی از آیت الله خامنه‌ای صورت گرفت، اظهار نظر مجمع فقه اهل البیت است که در سال ۱۳۷۱ به زمان مقام معظم

رهبری تشکیل شد و در آن عده‌ای از فقیهان شیعه برای پرداختن مسائل تو پیدا و مبتلابه اجتماع کردند. این مجمع در سال ۱۳۷۲ بحث درباره «تلقیح» را در دستور کار خود قرار داد و در اظهار نظر نهایی درباره تلقیح اسپرم غیر شوهر فرمود: «تلقیح اسپرم غیر شوهر به رحم زن حرام است.»^۴

در ایران با تولد اولین فرزندان ۱۷. ۴ به نام‌های وجیهه قاسمی، الهام و عباس زارع در هشتم دی ماه ۱۳۶۹ در بیمارستان افشار دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دریچه امیدی برای زوجهای نابارور ایرانی گشوده شد؛ موسسه درمان ناباروری رویان نیز که در سال ۱۳۶۸ تأسیس شده نخستین تولد فرزند به شیوه ۱. ۷. ۴ را در سال ۱۳۷۲ و تولد از طریق برداشت اسپرم و انجماد جنین را در سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ گزارش داده است.^۵ اما هم اکنون در ایران در حدود ۵۰ مرکز ناباروری در ایران وجود دارد که از این جهت همراه با مصر، در بالاترین رتبه در منطقه قرار دارد، همچنین بیماران و زوج‌های نابارور از دیگر کشورها نیز جهت درمان نازایی به ایران ارجاع می‌گردند و در واقع ایران قطب درمانی نازایی در خاورمیانه است، با این وجود حتی در ایران هم دسترسی به خدمات درمانی ناباروری برای همه، به ویژه زوج‌های نابارور کم بضاعت امکان پذیر نیست.^۶

با توجه به تصویب قانون اهدای جنین در سال ۱۳۸۲ در مجلس شورای اسلامی، ایران تنها کشور مسلمانی است که برای اهدای جنین به قانون گذاری پرداخته است، اما متأسفانه برای سایر روش‌های درمان ناباروری هنوز قانونی تصویب نشده است.^۸

۱- بررسی فقهی باروری از طریق اسپرم اهدایی (جایگاه تلقیح مصنوعی در اسلام)

قرآن کریم ضمن اشاره به این واقعیت که ممکن است گروهی از زنان و مردان نتوانند به صورت طبیعی از نعمت فرزند

^۴. همان، ص ۳۰۱.

^۵. سید علی، علوی قزوینی، ۱۳۸۲، آثار حقوقی تلقیح مصنوعی در ایران، مجله نامه مفید، ش ۳، ص ۷۶.

^۶. وطن خواه، رضا، (تابستان ۱۳۸۶)، تلقیح مصنوعی از دیدگاه اخلاق و حقوق کیفری، مجله حقوق پزشکی، ش ۱ ص ۱۴۹.

^۷ فرین، تاتاری، بوسف، محمد پور، لیلا افشار، احسان، شمسی، محمد، عباسی، بهار ۱۳۹۳، بررسی ابعاد اخلاقی اهدای جنین و گامت از منظر اصول چهار گانه مجله اخلاق پزشکی، ش ۲۷، ص ۱۴۴.

^۸. همان، ص ۱۶۷.

^۱. روحانی علی آبادی، محمد، (۱۳۸۵)، حکم شرعی تلقیح اسپرم و نطفه بیگانه، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق مجله پژوهشگاه و مرکز درمان ناباروری ابن سینا، ص ۲۹۱

^۲. سیدابراهیم، قلی زاده بهار ۱۳۸۹، تغییر سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای امنیتی آن، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۱۳ ش ۶ ص ۶۹.

^۳. روحانی علی آبادی، پیشین، ص ۲۹۹.

را ملحق به زن و شوهر منتسب به آن می‌دانند و گروهی از فقها هم که بکارگیری این روش را مورد تردید قرار داده‌اند، به جهت بیم از ارتکاب کارهای مقدماتی حرام نظیر، اخذ تخمک زن توسط نامحرم، اخذ اسپرم به روش غیرمجاز، نگاه یا لمس توسط نامحرم بوده است.^۴

۱-۲- تلقیح اسپرم بیگانه به زن بیگانه

این مورد بحث انگیزتر از اولی است و بیشترین مباحث فقهی و حقوقی مربوط به همین قسم یعنی تلقیح بین اسپرم و تخمک زن و مرد بیگانه است که علقه زوجیت بین آن دو وجود ندارد. این نوع تلقیح که از آن به (تلقیح ناهمگون، هترولوگ، AID، نامتجانس) یاد می‌شود چه با رضایت چه بدون رضایت زوج، محیط ظهور آرای متفاوت از هم در منظر حقوق دانان و هم از دیدگاه فقهی هست و به طور کلی استفاده از این روش موافقان اندک ولی مخالفان فراوانی دارد.^۵ در واقع استفاده از اسپرم اهدایی، هنگامی صورت می‌گیرد که زوج، اسپرم ندارد و یا اسپرم او توانایی بارور کردن تخمک را ندارد که ۵۰٪ علت ناباروری انسان هم ناشی از عیوب مردان است و ۷۰-۹۰٪ از این عیوب ناشی از نقص در اسپرم‌های تولیدشده هست.^۶ و این در حالی است که زوجه دارای تخمک و رحم سالم باشد، همچنین هر گاه مرد دچار اختلالات ژنتیکی یا ارثی باشد یا این که ناقل ناهنجاری‌های کروموزومی باشد، استفاده از اسپرم اهدایی به زوج توصیه می‌شود.^۷

به طور کل دو محدودیت عمده شرعی برای تلقیح مصنوعی ذکر شده است:

(۱) محدودرات مقدماتی (۲) محدودرات تفسی و غیر مقدماتی

محدورات مقدماتی، محدودراتی‌اند که ربطی به خود عملیات تلقیح ندارد، بلکه مربوط به مقدمات آن هست، همانند لمس و نظر بدن اجنبیه و کشف عورت و نطفه‌گیری به طریق نامشروع

برخوردار شوند (شوری: ۴۹-۵۰) با بیان تفصیلی داستان عقیم بودن همسر حضرت زکریا (ع) و طلبیدن فرزند و اجابت تقاضاهای ایشان از جانب پروردگار (مریم/۲-۸) به دو نکته مهم دلالت دارد: اولاً درمان نازایی امری ممکن است که در برهه‌ای از زمان می‌تواند بدون دخالت بشر و با توسل به دعا و اجابت آن توسط خداوند میسر گردد. ثانیاً از آیه مذکور می‌توان استفاده کرد که طلب فرزند از سوی زن یا مرد نازا امری نیکو و مشروع است و در نتیجه اگر کسی برای درمان نازایی خود اقدام کند کار او شرعی است.^۱ بنابراین استفاده از روش‌های کمک باروری در اسلام از طریق مجرای فقهی و شرعی آن نه تنها مذموم نیست بلکه می‌تواند از جایگاه ارزشی نیز برخوردار باشد. اینکه خداوند در آیه شریفه ۵۰ سوره شوری می‌فرماید: «و يجعل من یشا عقیما» تعبیر به جعل عقیم است نه خلق عقیم، در واژه ی «خلق» تغییر و تحول مستمر، متصور نیست، اما در واژه ی «جعل» تغییر و تحول ممکن است، پس آیه اشاره دارد که از بین بردن عقیمی و اصل باروری‌های پزشکی با قدرت الهی و شرع ناسازگاری ندارد و محدودیت روش هم برای رفع این عقیمی نمی‌توان از آیه استنتاج کرد، بلکه می‌توان از هر روشی که در آن فعل حرام صورت نگیرد، استفاده کرد.^۲ بنابراین با توجه به اهمیت خانواده و نقش آن در تشکیل جوامع بشری و توصیه اسلام بر حفظ و قوام آن، تساهل و کوتاهی در مقابل موضوعات جدیدی که در این حوزه به روز می‌کند موجه نبوده و یکی از این موضوعات، باروری مصنوعی است.^۳

۱-۱- تلقیح اسپرم زوج به زوجه اش

تلقیح مصنوعی تخمک زن با اسپرم شوهرش (تلقیح همگون، همولوگ، AIH متجانس) عمل صحیحی است که دارای آثار حقوقی هست و از نقطه نظر فقهی نیز تقریباً بلااشکال هست و در حقوق ایران و حقوق خارجی هم به این عمل به دید یک روش درمانی نگریده و طفل متولد شده در اثر این نوع از تلقیح

^۴ . وطن خواه، پیشین، ص ۱۴۹.

^۵ . کوشا، ابوطالب، آرش، ابراهیم، پاییز ۱۳۹۰، تابعیت اطفال متولد از تلقیح مصنوعی، مجله حقوق پزشکی، ش ۱۸، ص ۱۳۹.

^۶ آخوندی، محمد مهدی، اردیبهشت ۱۳۷۹، تست های آزمایشگاهی ناباروری مردان، مجله پیام باروری و ناباروری سال اول، ش ۱۰ ص ۴

^۷ Sauer Mv, Paulsorn RJ, Francis MM(1995). Preimplantation adaption;establishing pregnancy using donated cocytes and spermatozoa. Human Reproduction: 10: 1419-22.

^۱ . مرفاتی، سیدطه، (بهار و تابستان ۱۳۸۳)، نسب ناشی از لقاح مصنوعی با دخالت عامل بیگانه، مجله مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۵، ص ۱۳۲

^۲ . محلاتی، پیشین، ص ۷۸.

^۳ . صادقی مقدم، محمد حسن، زمستان ۱۳۸۳، باروری مصنوعی از دیدگاه حقوق اسلام، مجله مدرس علوم انسانی، ش ۴۷، ص ۱۷۱

تزریق اسپرم اجنبی به رحم زن را حرام و جرم دانسته‌اند و پزشک را نیز قابل تعزیر دانسته‌اند.^۴ با آیت الله لنگرانی معتقدند کشت اسپرم مرد در رحم زنی که همسر او نیست حرام است، خواه این زن از بستگان مرد یا محارم او باشد یا نباشد و خواه شوهر داشته باشد یا نه و خواه شوهرش به این کار راضی باشد یا نباشد. مسائلی از قبیل اختلاف در زندگی زن و شوهر یا گرفتار شدن زن به بیماری مجوز نمی‌شود تا زن با اسپرم غیر همسرش بارور گردد، زیرا حفظ انساب و عدم الحاق فرزند به غیر از اهم امور شرعی است و راضی بودن یا راضی نبودن شوهر هیچ تأثیری در مسئله ندارد. فرزندی که از طریق کشت عمدی اسپرم مرد بیگانه در رحم زن بیگانه به وجود آمده باشد، گرچه حرام (زاده) است اما عنوان ولد الزنا را ندارد و ارث میبرد؟^۵

۱-۳- تعیین نسب طفل حاصل از تلقیح مصنوعی بدون دخالت عامل بیگانه

در حالاتی که فرزند حاصل از روش‌های نوین بارداری از اسپرم شوهر زن باشد، این طفل بی‌شک به صاحب اسپرم و صاحب تخمک ملحق می‌شود و نسب او نیز مشروع هست زیرا کلیه شرایط نسب قانونی و مشروع در آن وجود دارد و مانعی برای الحاق طفل به پدر و مادر طبیعی خود نیست و نسب آن مانند نسب طفل ناشی از نکاح صحیح است. تنها فرقی که با موارد عادی دارد این است در لقاح مصنوعی، طفل از راه طبیعی و عادی یعنی نزدیکی زن و شوهر به وجود نیامده است و آن هم تأثیری در تحقق نسب ندارد زیرا در تحقق نسب شرط نیست که نطفه مرد تنها از راه فیزیکی به رحم زن منتقل شود، بلکه به هر طریقی اسپرم شوهر به رحم همسرش رسد فرزند ملحق به آنان خواهد بود و آنچه در ماده ۱۵۸ ق.م.آ.م آمده که قانون‌گذار برای اثبات نسب، آمیزش زوجین را معتبر دانسته، باید گفت با توجه به شروط اجرای قاعده فراش، آمیزش و مقاربت جنسی در الحاق طفل به زوجین موضوعیت نداشته و صرفاً به عنوان مقدمه

و مانند آن، این امور هرچند نقش مقدمی دارند و ربطی به اصل تلقیح ندارند، لکن عملیاتی شدن تلقیح اگر متوقف بر این مقدمات حرام باشد، قطعاً در صورت اختیار و عدم اضطرار موجب عدم جواز تلقیح می‌گردد، حتی اگر خود تلقیح فی‌نفسه جایز و مشروع باشد. در واقع در مقدمه درمان، چون نابآوری یک نوع بیماری است و از نظر فقه اسلامی درمان هرگونه بیماری در صورت امکان و وجود مفسده در صورت عدم مانع واجب است، لذا در مواردی ضروری و به مقدار رفع ضرورت، می‌توان با تمسک به برخی قواعد فقهی، مانند قاعده لا ضرر و قاعده اضطرار به عنوان حکم ثانوی قائل به جواز ارتکاب به محرمات شد.^۱

البته بر اساس قاعده «الضرورات تنقذ بقدرها» باید مراجعه به روش‌های درمانی در حد رفع ضرورت باشد؟ اما محذورات نفسی و غیر مقدمی مربوط به اصل عمل است که همان طور که ذکر شد محذورات موجود برای اصل خود عمل وقتی پای شخص سومی برای امر باروری به میان می‌آید، پررنگ تر شده و لزوم بررسی‌های فقهی حقوقی در این حالات بیش از پیش احساس می‌شود.^۲

در آغاز، برخی از اربابان ساحت فقه قائل به ممنوعیت مطلق در همه صور تلقیح مصنوعی بوده‌اند، به گونه‌ای که در کتاب تذکره الفقها علامه آمده است «بر زن حفظ رحم از نطفه بیگانه واجب است.^۳» یا بعضی دیگر از مراجع عظام تقلید در مقام دادن فتوا، حتی تلقیح نطفه زوج به زوجه شرعی و قانونی خود را محل تأمل و اشکال میدانستند، اما با به رسمیت شناختن این مسئله به جواز از سوی برخی دیگر از صاحبان فتوا و شرعی و قانونی دانستن نسب اطفال ناشی از تلقیح مصنوعی، اختلافات نظری عدیده‌ای به وجود آمد که دیدگاه‌های جدیدی را مطرح کرد و به بازخوانی بیانات شرعی پرداخته شد؟ اما در عصر حاضر نیز بیشتر مراجع عظام استفاده از اسپرم بیگانه برای باروری زن را حرام می‌دانند، برای مثال آیت الله صافی گلپایگانی عمل

^۴ عابدین، مومنی، سید جلال موسوی نسب بهمن ۱۳۹۱، تلقیح مصنوعی و وضعیت نسب مولود حاصل از آن در تاملات اندیشمندان فقه و حقوق، معرفت، ش ۱۸۲، ص ۱۱۸

^۵ صافی، پیشین، ج ۲، ص ۵۲ فاضل لنگرانی، استفتانات، پیشین، ص ۹۸.

^۶ طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است، مشروط بر این که از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد. (سلیمی الیزئی، پیشین، ص ۱۵۳)

^۱ بابکی، محمد، ۱۳۹۳، تلقیح مصنوعی و احکام آن در آثار فقهی امام خمینی (ره)، تهران، نشر عروج، ص ۲۶

^۲ مرقاتی، پیشین، ص ۱۳۴.

^۳ علامه حلی، حسن ۱۳۷۲، تذکره الفقها، قم، نشر آل‌البیته (ع)، ج ۲۰، ص ۲۸۰

۱-۳-۲- در صورت دریافت اسپرم از شوهر و بیگانه توأمان حالتی است که نطفه مرد اجنبی به زنی که دارای شوهر قانونی است تزریق شود و عاداتاً نیز امکان باروری زن از شوهر خود معقول باشد، در این صورت مطابق ماده ۱۱۵۸ ق.م «در صورتی که از تاریخ نزدیکی شوهر تا زمان تولد طفل کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد طفل ملحق به شوهر مشروع اوست»^۴ و به بیان روشن تر، مادامی که احتمال نزدیکی بین زوجین و انعقاد نطفه از اسپرم شوهر موجود باشد به صرف تلقیح نطفه اجنبی نمی توان طفل را به صاحب نطفه تزریق شده ملحق نمود یا اصلاً نفی نسب کرد، بلکه مضمون قاعده فراش و مدلول ماده ۱۱۵۸ ق.م چنین اقتضا می کند که طفل را باید به شوهر قانونی و شرعی زن منتسب نماییم.

۱-۴- تعیین نسب طفل حاصل از تلقیح با اسپرم اهدایی با دهنده و گیرندگان اسپرم

۱-۴-۱- نسب طفل با صاحب تخمک (دریافت کننده اسپرم) بعضی حقوقدانان میان صورت جهل زن به عمل لقاح و علم وی، تفاوت قائل شده‌اند، در فرض اول، طفل حاصل از لقاح را در حکم ولد شبهه دانسته، به زن ملقوحه منتسب میدانند. اما در فرض دوم که زن به عمل لقاح عالم بوده است، طفل حاصل را در حکم ولد زنا میدانند و بر این باورند که به والدین طبیعی خویش ملحق نخواهد شد.^۵ برخی دیگر از حقوقدانان اعتقاد دارند، اصولاً طفل حاصل از تلقیح مصنوعی، به مادر خود ملحق میشود. زیرا اولاً طفل در رحم آن زن تکون یافته و رشد نموده است. ثانیاً، دلیل شرعی و قانونی که بر عدم الحاق طفل به زن ملقوحه دلالت کند، وجود ندارد، زیرا آنچه بر نفی ولد دلالت می‌کند، اختصاص به ولد زنا دارد و طفل حاصل از لقاح مصنوعی، ولد زنا شمرده نمی‌شود. ثالثاً مقتضای عموم آیه ی شریفه‌ای که می‌فرماید: «... مادران آنها تنها کسانی‌اند که ایشان را زاده‌اند.» (مجادله: ۲) دلالت دارد بر اینکه اگر طفلی در رحم زنی رشد کند و متولد شود آن زن مادر آن طفل به شمار می‌آید.^۶

ایصال نطفه زوج به رحم زن اعتبار شده است. بنابراین می‌توان گفت کلمه نزدیکی در ماده ۱۱۵۸ ق.م به منظور بیان فرد شایع و مصداق معمول ذکر گردیده است و قانون گذار در مقام بیان انحصار ایجاد رابطه نسبی مشروع از طریق آمیزش طبیعی نبوده است.^۱

برای تعیین نسب طفل حاصل از روش تلقیح با اسپرم اهدایی دو نوع تقسیم بندی ارائه می‌شود.

۱-۳-۱- تعیین نسب طفل بر اساس حالات متفاوت در تلقیح با اسپرم اهدایی

۱-۳-۱-۱- در صورت ایجاد شبهه در امر باروری اگر زن دارای شوهر نباشد یا عاداتاً امکان باروری از شوهر خود را نداشته باشد یا اینکه یقین پیدا کنیم که حمل ناشی از نطفه شوهر نیست. برخی از حقوقدانان میان صورت علم و جهل طرفین نسبت به انجام عمل تلقیح تفاوت قائل شده‌اند. دکتر امامی در مورد جهل طرفین به عمل لقاح چنین اظهار نظر نموده است: «در صورتی که مرد و زنی که لقاح مصنوعی ناشی از اسپرم بیگانه بین آنان به عمل آمده، جاهل به حقیقت امر بوده‌اند، در این صورت طفل ملحق به پدر و مادر طبیعی خود هست، زیرا طفل مزبور در ردیف ولد شبهه است و همان گونه که ولد شبهه ملحق به کسی است که جاهل به حرمت رابطه بوده است در مورد مزبور به طریق اولی ملحق به او خواهد بود، زیرا دخول با مرد اجنبی وارد نشده است، در صورتی که یکی از زن یا مرد جاهل به حقیقت امر باشد طفل نسبت به او در حکم ولد شبهه است»،^۲ در واقع هر جا شبهه باشد و زنا بودن رابطه مورد تأیید قرار نگیرد، می‌توان نسب بچه را صحیح دانست و آنها را به پدر و مادر طبیعی ملحق نمود. چنان که در ماده ۱۱۵۶ ق.م آمده است: «طفل متولد از نزدیکی به شبهه فقط ملحق به طرفی می‌شود که در اشتباه بوده و در صورتی که هردو در اشتباه بوده‌اند، ملحق به هردو خواهد بود.»^۳

^۱ موسوی بجنوردی، سید محمد، جبار زارع، مرضیه، (زمستان ۱۳۸۸)، بررسی نسب کودکان

ناشی از تلقیح مصنوعی با رویکردی بر نظر امام خمینی، مجله پژوهشنامه متین، ش ۲۱، ص ۳۵

^۲ امامی، اسدالله (۱۳۹۲)، مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه، تهران، نشر میزان، ص ۱۸۵.

^۳ مهرپور، حسین، (۱۳۷۶)، نگرشی بر وضعیت حقوقی و شرعی باروری مصنوعی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۹، ص ۱۷۳

^۴ سلیمی الزینبی، فرشه، (۱۳۹۰)، محشای قانونی مدنی، تهران، نشر جاودانهض ۱۵۸

^۵ امامی، پیشین، صص ۱۴۷-۱۴۸.

^۶ حرم پناهی، جعفر، (۱۳۷۶)، تلقیح مصنوعی، مجله فقه اهل بیت، سال ۳، ش ۱۵۷، ص ۱۶۳

۱- ۴- ۲- نسب طفل با صاحب اسپرم

در فرض جهل صاحب اسپرم، مثل آنکه مردی منی خود را برای آزمایش و تجربه در اختیار پزشکی قرار دهد و پزشک این ماده را در رحم زنی که برای مداوا و معالجه امراض زنانه با بارور نشدن به او مراجعه کرده، تلقیح کند و زن حامله شود، یا به جای اسپرم شوهر، اشتباه اسپرم بیگانه را به زن تلقیح کند، در این صورت، طفل به پدر طبیعی خود (صاحب اسپرم) ملحق میشود، زیرا طفل یادشده در حکم ولد شبهه هست و مطابق ماده ۱۶۵ ق.م.اهمان گونه که ولد شبهه به کسی که جاهل به حرمت بوده است ملحق می‌گردد، به طریق اولی طفل با جهل صاحب اسپرم و صاحب تخمک، به آنان ملحق خواهد شد. اما در صورتی که صاحب نطفه از حقیقت امر آگاهی داشته باشند، مسئله مورد اختلاف است، که در ادامه تشریح می‌شوند (۱) ادله مخالفان الحاق نسب به صاحب نطفه برخی از حقوقدانان چنین طفلی را در حکم ولد زنا می‌دانند و در این زمینه چنین استدلال می‌کنند که آنچه سبب انتساب طفل به پدر و مادر او می‌شود، رابطه‌ی زوجیت بین ایشان با اعتقاد به وجود چنین رابطه‌ای است. بنابراین، در هر مورد که این عامل اصلی وجود نداشته باشد، خواه دلیل آبستنی زن نزدیکی نامشروع (زنا) باشد، خواه سایر تماس‌های بدنی (مانند تفخیز و خواه تلقیح مصنوعی نباید نسب را مشروع دانست و برعکس، هر جا که رابطه زناشویی یا شبهه محقق باشد، به هر وسیله‌ای که زن حامله شود، نسب مشروع است.^۳

۱- ۴- ۳- نسب طفل با شوهر دریافت کننده اسپرم

عملاً در صورتی که تلقیح با رضایت شوهر انجام شده باشد، شوهر ولد ناشی از تلقیح را نفی نمی‌کند و برای طفل مذکور شناسنامه با نام خانوادگی خود می‌گیرد و طفل بنابر ظاهر منتسب به شوهر خواهد بود، اگر چه ممکن است بعد از فوت پدر ظاهری، اشخاص ذینفع، اقدام به نفی نسب کنند و در این صورت آنان باید اثبات کنند که طفل از نطفه شخص دیگری غیر از شوهر است و هرگاه این امر بر دادگاه ثابت شود حکم به

نفی نسب و عدم الحاق طفل به شوهر زن ملحقه خواهد کرد.^۴ اما در واقعیت و در فقه این مرد، نسبی با این طفل نداشته و طفل حاصله ربیب (در صورت پسر بودن) و ربیبه (در صورت دختر بودن) و در صورت ارتزاق شیر از مادر، فرزند رضاعی وی نیز محسوب می‌شود، در حالت اهدای اسپرم در رابطه با حقوقی مثل ولادت، حضانت و نفقه که قابل انتقال توسط دادگاه است، مشکلی وجود ندارد و پدر اجتماعی (شوهر مادر) عهده دار آنهاست و موضوع محرمیت پدر طبق قانون شرعی و آیه قرآن (سوره نساء ۲۳) که دختر ربیبه نامیده می‌شود برقرار است، ولی به نظر می‌رسد که مسئله ارث هنوز پابرجاست و چون نسب فرزند به صاحب اسپرم بر می‌گردد، از پدر اجتماعی خود ارث نمی‌برد.^۵

۱- ۴- ۴- توارث

مطابق ماده ۸۶۱ ق.م.ایران، نسب یکی از موجبات ارث شناخته شده است، ارث کودکانی که از طریق تلقیح مصنوعی متولد می‌شوند، تابع ثبوت یا عدم ثبوت نسب میان طفل و صاحب اسپرم و تخمک است چنانچه رابطه نسبی میان طفل و صاحب اسپرم از یک سو و صاحب تخمک از سوی دیگر به رسمیت شناخته شود، توارث میان آنها برقرار میشود و برعکس هرگاه رابطه نسبی میان کودک و والدین او برقرار نشود، مسئله توارث میان آنها منتفی خواهد بود. برخی از حقوقدانان چون کاتوزیان، امامی، جعفری لنگرودی و شهیدی بین موردی که تلقیح با اطلاع مرد و یا زن و یا بدون اطلاع ایشان انجام شود تفاوت قائل شده و طفل متولد از تلقیح مصنوعی را در صورت اطلاع مرد و زن در حکم فرزند ناشی از زنا دانسته و معتقدند نسب و به تبع آن توارث ثابت نمی‌شود و در صورت جهل ایشان، در حکم ولد به شبهه دانسته‌اند. از آنجایی که کودک متولد از لقاح مصنوعی از تخمک زن، ولد الزنا محسوب نمی‌شود و زنایی در این واقعه اتفاق نیفتاده، لذا بین مادر کوک همانند مادر و فرزند ناشی از مقاربت طبیعی بر طبق ماده ۸۸۴ ق.م. توارث وجود دارد

^۴ . گرجی و همکاران، پیشین، ص ۴۳۳

^۵ لایلا، عزیزاده، سیدطه، مرقانی، رضا سامانی، زمستان ۱۳۸۸ اهدای ترکیبی گامت و رحم

اجاره‌ای و حقوق والد. فرزندی، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، ص ۱۴

^۶ . موجب ارث دو امر است؛ نسب و سبب. (سلیمی الیزئی، پیشین، ص ۱۱۰)

^۱ طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود. (سلیمی الیزئی، پیشین، ص ۱۶۸)

^۲ ناصر، کاتوزیان، ۱۳۷۸، حقوق مدنی خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۲، ص ۲۹

^۳ همان، ص ۲۲

و در واقع بین طفل و مادر طبیعی و خویشاوندان مادری او توارث برقرار میشود.^۱ برای حل مسئله عدم توارث فرزند حاصل از اهدای گامت یا جنین به علت عدم الحاق نسب گاهی و در نتیجه عدم امکان ارث بری از اهداکنندگان به علت ناشناس بودن، راه حلی که وجود دارد و می‌تواند شبه ارثی را از جانب پدر و مادر حکمی نسبت به کودک به وجود آورد. این روش این است که بعد از اهدای گامت و انعقاد نطفه در رحم، در ضمن یک عقد لازم دیگر، گیرندگان گامت یا زیگوت متعهد شوند که حضانت و نفقه فرزند بر عهده آنان خواهد بود و آنان ملزم باشند، وصیت کنند که این کودک به اندازه سهم یکی از وارث در طبقه اول در حد ثلث سهم ببرد.^۲

۱- ۴- ۵- محرمیت

چون زن دریافت کننده اسپرم اهدایی خود صاحب تخمک هست، بنابراین مادر فرزند حاصله محسوب شده، در نتیجه به مادر خود که محرم است، از طرف دیگر ربیبه شوهر مادر خود محسوب شده، در نتیجه به وی نیز محرم است، در ماده ۳۹۳ قانون مدنی در قسمت موانع نکاح، نیز به این محرمیت اشاره شده است، بدین صورت که مرد نمیتواند با ربیبه (دختر زن) ازدواج کند، در صورتی که به مادر وی دخول کرده باشد.^۳

۲- بررسی حقوقی تلقیح با اسپرم اهدایی به لحاظ جرم بودن

ماده ۱۰۱ ق.م. مقرر می‌دارد: «هر گاه مرد و زنی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب عمل منافی عفت، غیر از زنا از قبیل مضاجعه شوند به شلاق تا تودونه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود». حال آیا می‌توان ادعا کرد که تلقیح مصنوعی اسپرم مرد بیگانه به رحم زن اجنبی از مصادیق اعمال منافی عفت غیر از زنا محسوب می‌شود؟

با توجه به ظهور عرفی کلمه «اعمال منافی عفت» خصوصاً با ملاحظه تمثیل قانون گذار از این اعمال، می‌توان ادعا کرد که مقصود از اعمال منافی عفت غیر از زنا، عبارت است از هر نوع رابطه مستقیم و غیر مشروع بین مرد و زنی که بین آنها علقه زوجیت موجود نباشد؛ بنابراین تلقیح مصنوعی مشمول عنوان اعمال منافی عفت نخواهد بود، زیرا در تلقیح هیچ گونه رابطه مستقیم و بلا واسطه بین زن و مرد اجنبی وجود ندارد.^۴ به اضافه، تفسیر مذکور، با اصل تفسیر مضیق مقررات جزایی و نیز اصل ۲۳۶ و ۲۳۷ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی سازگار و در تضاد است. پس تلقیح مصنوعی جرم نیست.

از سوی دیگر برخی چون سید علی قزوینی به ماده ۳ قانون آیین دادرسی^۵ مصوب ۱۳۱۸ استناد کرده، می‌گوید: «... مطابق شریعت اسلام و فقه امامیه، لقاح مصنوعی با منی مرد بیگانه ممنوع است. از این رو، میتوان گفت، م ۳ ق.آ.د نسبت به م ۲ ق.م.ا.خاکم است و بدین جهت باید مطابق ماده ۳ ق.آ.د و با عنایت به عرف فعلی مردم ایران، تلقیح منی مرد بیگانه به رحم زن اجنبی را جرم تلقی کرد و از نظر مجازات نیز به علت اینکه مقدار و نوع آن در قانون و شرع تعیین نشده است مطابق ماده ۱۸

^۵ . محلاتی، پیشین، ص ۷۷

^۶ نوعی از تفسیر فضایی است که به موجب آن مدلول یک قانون در چهارچوب الفاظ خویش محبوس گردیده و از سرایت دادن آن به موارد سکوت و یا مواردی که احتمال دارد شامل آن موارد باشد، خودداری می‌شود. یعنی مضیق و محدود به منطوق صریح قانون باشد. (ایرج، گلدوزیان، ۱۳۷۹، حقوق جزای عمومی ایران، تهران، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، ج ۱، ص ۱۴۵)

^۷ حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. (عاطفه، زاهدی، ۱۳۹۱، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر جاودانه، ص ۱۰)

^۸ اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. (همان، ص ۱۱)

^۹ دادگاه های دادگستری مکلفند به دعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده، حکم داده با فصل نمایند و در صورتی که قوانین موضوعه کشوری کامل با صریح نبوده و یا متناقض باشد یا اصلاً قانونی در قضیه مطوحه وجود نداشته باشد دادگاه های دادگستری باید با پد موافق روح و مفاد قوانین موضوعه و عرف و عادت مسلم، قضیه را قطع و فصل نمایند. (امیر، کمالوند، ۱۳۹۱، قانون آیین دادرسی مدنی، تهران، نشر مشاهیر دادآفرین، ص ۲)

^{۱۰} هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب میشود. (گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، ۱۳۹۲، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران، نشر چتر دانش، ص ۲)

^۱ . طباطبایی لطفی، پیشین، ص ۸۴

^۲ . صفایی، پیشین، ص ۴۳.

^۳ . سلیمی الیزئی، پیشین، ص ۲۱۰

^۴ . همان، ص ۱۲۱

دادرسی مدنی و این اصول از جمله ماده ۴ قانون مجازات اسلامی تعارض رخ می‌دهد. پس با استناد به ماده ۳ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۱۸ نمی‌توان رجوع به فقه را توجیه کرد. اما با این اوصاف اصل ۱۶۷ قانون اساسی^۵ با توجه به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی و بازنگری قانون اساسی، رجوع به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر را توجیه می‌کند. با این وصف، این پرسش هنوز باقی است که چگونه اصل ۱۶۷ قانون اساسی به گونه مطلق به فقه ارجاع داده است.

در حالی که منابع فقهی به زبان عربی و متعدد هستند و در آن نسبت به یک موضوع، آرای متفاوت و بلکه متضاد وجود دارد و نیز مصادیق آرای فقها و یا منابع معتبر اسلامی متعدّدند باید به کدام یک رجوع کرد؟ فتاوی معتبر هم آیا به فتاوی مراجع صاحب نام اطلاق می‌شود با همه مراجع؟ آیا هماهنگی این فتاوا با فتاوی ولی فقیه لازم است یا از ابتدا بایستی به فتاوی ولی فقیه رجوع کرده هر چند که فتاوی مراجع دیگر با آن سازگار نباشد؟ روش استخراج و استنباط حکم دعوا از منابع و فتاوی معتبر اسلامی چگونه است؟ در مسائل مستحدثه و جدید که منبع یا فتاوی بالفعلی وجود ندارد، حکم مسئله چگونه است؟ قاضی با توجه به دو طرف دعوا و مقلدان متفاوت، به کدام مرجع رجوع کند؟ آیا آرای متفاوت در موضوعات مشابه صادر نخواهد شد؟ از استفتانات جمع آوری شده از مراجع عالیقدر شیعه از زمان آیت الله بروجردی تاکنون، نظر واحدی وجود نداشته و ندارد، بلکه برخی از فتاوا باهم متضاد هستند و رویه واحدی وجود ندارد. در این حالت قاضی کدام رأی را مستند حکم خود قرار دهد؟ به فرض از ایرادهای بالا صرف نظر کنیم و رجوع به فقه را بدون ایراد اساسی بدانیم، باز اطلاق اصل ۱۶۷ قانون اساسی را نمی‌توان پذیرفت، یعنی برای تعیین جرم بودن یا نبودن موضوعی نمی‌توان با استناد به این اصل به فقه رجوع کرد، چون با اصول حقوقی زیربنایی پذیرفته شده در قانون اساسی، مثل اصل قانونی بودن جرم و مجازات (اصل ۳۶ قانون اساسی) اصل

ق.م.^۱ (تعزیرات) تعیین مقدار و نوع مجازات به قانون واگذار شده است که البته این مجازات باید کمتر از زنا باشد^۲ استدلال بالا از چند جهت دارای ایراد است؛

۱) آوردن عبارت «عرف مسلم» در کنار روح قانون» مؤید این است که منظور از آن، عرف و رسوم پذیرفته شده جاری مردم است؛ خواه منشأ مذهبی داشته باشد یا نه، خصوصاً اگر فقه و دستورات اسلامی منظور می‌بود، با عنایت به منبع اجتهاد در فقه شیعه، قضیه‌ای بدون حکم باقی نمی‌ماند، پس ذکر روح قانون در کنار عرف مسلم می‌فهماند که مقصود از عرف مسلم یا عرف عملی و متداول مردم است که مدتی طولانی در عمل رعایت شده و سبب تعهد و تکلیف شده و از سوی تمام یا بیشتر افراد ملت رعایت شده است.^۳ این عرف حتماً با فقه ملازمه ندارد و باید قبل از واقعه‌ای که می‌خواهد بر آن حکومت کند وجود داشته باشد، نه بعد از آن، در حالی که در مسئله حاضر، بعد از رخ دادن حادثه تلفیح عرف‌های متفاوت و متضادی به وجود آمده است و با این چنین عرفی نمی‌توان حکم مسئله‌ای را به یقین کشف و بیان کرد، مضاف بر این که مسئله حاضر یک مسئله جدید و نو پیدا است بنابراین دارای یک سبب طولانی که سبب ایجاد عرفی بین مردم شده باشد نیست که در نتیجه با تعریف حقوقی عرف مسلم در تعارض است (۲) استناد به ماده یادشده نمی‌تواند تمام باشد زیرا ماده ۳ مزبور با توجه به پیشینه تاریخی و تقدم چند دهه آن بر قانون مجازات اسلامی و اقتباس آن از قانون خارجی، نه تنها هیچ گونه گوشه چشمی به قانون مجازات و جرم و کیفر ندارد تا آن را تفسیر کند، بلکه قانون مجازات حاکم بر آن است و به فرض پذیرش اطلاق آن، با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات (پذیرفته شده در اصول ۳۶، ۳۷ و ۱۶۹ قانون اساسی^۴ و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی) و اصل تفسیر مضیق متون جزایی بین ماده ۳ قانون آیین

۱. تعزیر مجازاتی است که نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سکوت و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. (گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، پیشین، ص ۵)

۲. رضائامعلم، باروری های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، پیشین، ص ۳۰۱

۳. محمدجعفر، جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ص ۱۳.

۴. هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی‌شود. (زاهدی، پیشین، ص ۴۳)

۵. قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال با تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد. همان،

شناخته نشده و برای آن مجازات تعیین نشده، حق رجوع به فقه برای تعیین وصف مجرمانه بودن عمل و مجازات آن مجاز نباشد.^۲

یک راه حل این است که تا زمانی که قانون حکم قضیه را مشخص نکرده است، در مسائل حکومتی و احکام مرتبط با آن، حکم ولی فقیه نافذ است و قاضی برای پرهیز از تشتت آرا، ضروری است فتوا و حکم ایشان را مستند حکم خود قرار دهد، اگرچه مقلدان مراجع دیگر به انجام عمل، تابع مرجع خود هستند، اما ادارات دولتی و دادگاهها با توجه به ملاک ذکر شده باید از احکام ولی فقیه تبعیت نمایند. در این صورت، با اصل ۱۶۷ ق.آ. هم مخالفت نشده است. با رجوع به نظریه ولی فقیه، مقام معظم رهبری که تلقیح مصنوعی بین دو بیگانه را، فی نفسه با قطع نظر از لمس و نگاه حرام و احیاناً پیامدهای حرام دیگر، جایز می‌داند، پس مجازاتی هم مقرر نخواهد شد.^۳

۳- بررسی قوانین ایران در رابطه با تلقیح با اسپرم اهدایی

در ایران تاکنون قانونی در جهت باروری از طریق اهدای اسپرم یا اهدای تخمک تنظیم و تصویب نشده است، در حالی که در مورد وضعیت حقوقی اطفال متولد و والدین درگیر مسائل مربوط به تلقیح مصنوعی مباحث فراوانی قابل طرح و بررسی است. این در حالی است که تنها قانونی که در این مورد وضع گردیده، قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور است که در سال ۱۳۸۲ در پنج ماده تصویب گردیده و بسیاری از پرسش‌ها را در این زمینه بی پاسخ گذارده است.^۴ در مورد سیر تاریخی تصویب این قانون بدین صورت بوده است که پژوهشکده بیولوژی و بیوتکنولوژی تولید مثل و نازایی جهاد دانشگاهی با نام اختصاری پژوهشکده ابن سینا در سال ۱۳۷۷ پیش از برگزاری سمیناری تحت عنوان «سمینار مسائل فقهی- حقوقی اهدا جنین» با درخواست از برخی از مراجع، نظر آنها را در مورد اهدای جنین خواستار شد که نتیجه امر پس از حصول نظر اجماعی فقها مبنی بر مجاز بودن اهدای جنین، پیگیری‌های این

تفسیر مضیق در قوانین جزایی، لزوم وجود قانون جزای متناسب پیش از انجام عمل که به زبان فارسی و از روزنامه رسمی اعلام شده باشد و مخالف است، لذا رجوع به فقه به رغم آن که در مسائل حقوقی پذیرفتنی است، در مسائل جزایی، فاقد وجهت قانونی است. البته این به معنای مخالفت با فقه نیست چون برابر اصل چهارم قانون اساسی باید همه قوانین جاری کشور بر اساس موازین اسلامی باشد، یعنی وضع و تدوین قوانین جدید و نیز قوانین موجود کشور باید طبق موازین اسلامی باشد. اما وقتی که قانونی وجود ندارد، آیا حل و فصل دعاوی بر اساس مفاد و روح این قوانین و اصول و قواعد پذیرفته شده که مطابق موازین اسلامی هستند، هرچند که با قول مشهور یا عده‌ای از فقها ناسازگار باشد، مخالفت با اسلام و فقه است؟ لزوم عمل به اصل ۴ قانون اساسی^۱ به معنای عدم مخالفت قوانین موجود با منابع اسلامی یا تدوین قوانین جدید هماهنگ با آنها است و در صورت نبود مقررات جزایی خاص، برای حفظ حقوق مردم و مصالح متعدد دیگر، نظیر پرهیز از تشتت آرا، رعایت اصول جزایی پذیرفته شده شرع و اصل برائت جاری می‌گردد، عمل به مفاد اصل ۳۷ قانون اساسی (اصل برائت) با اصل چهارم این قانون مخالفتی ندارد، چون اصل برائت هم از مصادیق عمل به اصل چهارم است. در موضوعات جدید هم به دلیل عدم سابقه آن در فقه و حقوق، در جرم دانستن آن عمل، مفاد اصل ۳۷ حاکم است، بدون این که در عمل با فقه مخالفتی صورت گیرد. در ضمن اگر در امور جزایی رجوع به فقه را بپذیریم، از یکسو، به دلیل فتاوی متفاوت و متعارض در یک موضوع و از سوی دیگر لزوم ایجاد وحدت رویه در دادگاه‌های کشور، به نظر می‌رسد در مسائل یادشده، از جمله مسائل جدید و مستحدثه می‌بایستی به ولی فقیه مراجعه کرد، نه فتاوی دیگر، بنابراین اقتضا می‌شود کاربرد اصل ۱۶۷ به دعاوی حقوقی و تفسیر و تشریح واژه‌هایی که در قوانین جزایی به کار رفته محدود گردد و در امور جزایی و کیفری تا عملی در قوانین جزایی جرم

^۱ کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

زاهدی، پیشین، ص ۴

^۲ رضایامعلم، باروری های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، پیشین، ص ۳۵۸

^۳ رضایامعلم، نظریه، قوانین و مبانی مشروعیت باروری های پزشکی (۲)، پیشین، ص ۳۴۵

^۴ کوشا، پیشین، ص ۱۴۳

۵) بحث ارث، محرمیت، ابویت و ... همگی در قانون مسکوت مانده‌اند.^۲

مسئله مهم اینجاست که چرا قانون گزاران تنظیم و تصویب، قوانین هرچند ناقص مربوط به جنین‌های را انجام داده است اما به فکر خلا قانونی مربوط به اهدای تخمک و بالأخص اهدای اسپرم نبوده است، از مرحوم بروجردی که وفات یافته ۱۳۴۰ هستند در خصوص لقاح مصنوعی سؤال شده است، پس معلوم می‌شود که بحث قدیمی است و دارای سابقه است. حال مسئله این است که چرا قانون گزار در خصوص این مهم تعیین تکلیف نکرده است.

قانون گزار گاهی روی مصالحی سکوتی انجام می‌دهد. اما این مصلحتها بعضی مواقع خطرناک است. گویا ظاهراً قانون گزار نمی‌خواسته این یک عمل هنجار شود. یعنی نطفه از دیگری گرفتن و به زن اجنبیه تزریق کردن اگر هم مشروع باشد، نمی‌خواستند این در جامعه ما یک هنجار شود چون الآن فتوای رایج حتی از مقام معظم رهبری این گونه است که تلقیح نطفه مرد اجنبی به زن اجنبیه اشکال ندارد و دلیل آن این است که مصداق هیچ دلیل حرامی نیست، ظاهراً قانون گزار پرهیز داشته که جامعه به اینجا برسد که بانک نطفه تشکیل شود و نطفه‌های مجهول الهویه که معلوم نیست مال کیست و افراد هر جور که می‌خواهند انتخاب کنند، این کار به صلاح است که انجام نشود. اما با تصویب قوانین جامع و کامل در باب موضوع تلقیح مصنوعی بالأخص روش اسپرم‌هدایی می‌توان جلوی این نابهنجاری‌ها را گرفت و افراد را در مسیر درست هدایت کرد. در واقع وقتی نظارت لازم از سوی ارگان‌های ذی صلاح نباشد افراد به سلیقه شخصی خود عمل کرده تا آنجا که ممکن است ناهنجاری به هنجار تبدیل شود.^۴

برخی از حقوق دانان معتقدند به جز ترکیب اهدای جنین و رحم اجاره‌ای که همانند سرپرستی و فرزندخواندگی است، در بقیه موارد اهدای ترکیبی (اهدای اسپرم یا تخمک) می‌توان حقوق والد فرزندی را همانند اهدای ساده در نظر گرفت. اما با توجه به

پژوهشکده، قانون گذار ایران بر آن شد تا قوانینی درباره ناباروری تصویب نماید و در این راستا در تاریخ ۲۹ / ۴ / ۱۳۸۲ به تصویب قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور اقدام نمود. بنابراین شاید اگر پیگیری‌ها و تشکیل جلسات و درخواست صدور فتاوا نبود.

همچنان این قانون به تصویب نهایی نمی‌رسید، همان طور که این خلا قانونی هم اکنون در موضوع اهدای اسپرم و تخمک وجود دارد، چرا که مطالبه‌های صورت نگرفته است، دکتر محقق داماد در زمینه قوانین مربوط به تلقیح مصنوعی مصوب در ایران معتقدند: «علی‌رغم این که در کشورهای غربی علاقه به باروری ندارند ولی قوانین منظمی برای آن نوشته‌اند. قانون انگلیس ۵۰ ماده دارد و به تمام فروع اشاره کرده و هیچ ابهامی برای قضات باقی نگذاشته است. همچنین قانون استرالیا و قانون ناباروری در فرانسه هر دو بسیار جامع‌اند، اما کشور ما تنها یک قانون ۵ ماده‌ای تصویب کرده است.»^۱ البته همین قانون تصویبی از نظر بسیاری از بزرگان علم حقوق دارای خلأها و ابهامات زیادی است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد

۱) قانون ایران برخلاف قانون برخی کشورهای دیگر برای اهداکنندگان جنین یا سلول‌های جنسی محدودیتی از نظر سنی، دفعات اهدا و ... ایجاد نموده است.

۲) تابعیت جنین مشخص نیست و قانون توضیحی در این ارتباط ارائه نداده است.

۳) در مورد اهداکننده و اهدا گیرنده شرط عدم اعتیاد به مواد مخدر آورده شده است، این در حالی است که در انگلیس، فرانسه و استرالیا علاوه بر مواد مخدر به اعتیاد به الکل نیز اشاره شده است.

ولی قانون گذار ما هیچ توجهی به آن نداشته است.

۴) از آنجائی که ولایت هم حق است و هم تکلیف، اگر فردا گیرنده گامت (اسپرم یا تخمک) یا زیگوت (جنین‌هدایی) سرپرستی طفل را نکرد آیا اهدا کننده مسئولیتی ندارد؟

^۱ خوش‌نیت، پیشین، ص ۳۲۲.

^۲ همان، ص ۴۹.

^۴ عزیزاده، پیشین، ص ۱۶.

^۳ رضا ایران مهر فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸، اهدای گامت، مجله فضاوت، ش ۵۶، ص ۴۷

مستدلی تصویب کرده بودند، چنین مشکلاتی بروز نمی کرد. پرونده قضائی دختر بی نسب^۱ به نام جسیکا در سال ۱۹۹۴ در ایالت کالیفرنیا آمریکا از جمله پرونده‌های قضایی بود که نه تنها مدنی مدید به طول انجامید بلکه سبب بحران‌های اخلاقی و پزشکی فراوانی نیز شد. در واقع جسیکا حاصل لقاح مصنوعی از طریق اسپرم اهدایی و رحم اجاره‌ای است که در طی دوران بارداری صاحب رحم، مادر بیولوژیک جسیکا و شوهرش از یکدیگر طلاق می‌گیرند و چون شوهر صاحب تخمک حاضر به پذیرش فرزند خود نبود سبب می‌شود تکلیف حضانت، نگهداری طفل از یکسو و نیز عدم پرداخت هزینه صاحب رحم توسط این مرد از سوی دیگر مشکلات عدیده‌ای را به

وجود آورد و کار را به دستگاه قضایی بکشاند. از آنجا که دستگاه قضای وقت قوانین مکفی که تمامی شرایط این گونه باروری‌ها را در نظر داشته باشد، نداشت با مشکلات زیادی مواجه شد، بگونه‌ای که طفل تا مدت طولانی بدون سرپرست رها شده بود، چنین پرونده‌هایی باید برای کشورهایی که از تکنولوژی روش‌های کمک باروری برخوردار هستند، تجربه شود تا در کنار پیشرفت علم و تکنولوژی قوانین حقوقی لازم را هم وضع و تصویب نمایند تا درگیر چنین شرایط بحرانی اخلاقی نشده و یک کودک بدون سرپرست، زاییده پیشرفت علم نباشد.

نتیجه‌گیری

در این بررسی، مسأله باروری با روش اسپرم اهدایی از منظر فقهی و حقوقی مورد مطالعه قرار گرفت و این نتیجه را در بر داشت که در هر دو مقوله بخصوص حقوقی در این موضوع خاص به نظر می‌رسد که قوانین چندان منسجم نیستند. به طوری که هیچ قانون مدونی برای این روش باروری که به لحاظ شرایط پیچیده حقوقی نیاز به وضع قوانین مکلفی برایش وجود دارد، نیست.

به لحاظ فقهی در خصوص این موضوع به صورت تعریف امروزی‌اش در میان فقها تشیع از دوران آیت الله بروجردی با عنوان استفتاء مطرح بوده است و غالب فقها و مرجع تاکنون در خصوص آن فتاوایی صادر نموده‌اند، اما این فتاوی اول اینکه جامع نبوده و بسیاری از سوالات را بی پاسخ گذاشته است و از

قوانین موجود در ایران گویا برای طفل به سرپرستی گرفته شده و نیز طفل حاصل از چنین اهدایی که مشابه فرزند خوانده است، قوانین مصوب داریم، اما برای فرزند حاصل از اهدای تخمک یا اسپرم که لااقل نسب طفل از یک سو مشخص است و به لحاظ ژنتیکی نیز امکان انتقال ۵۰ درصد از ژنها به خاطر مشترک بودن یکی از والدین وجود دارد، هیچ قانون مصوبی نداریم. در واقع باید گفت با استناد اصل ۱۶۷ ق.ا. به جهت سکوت قانون‌گذار، می‌بایست به آرای فقها مراجعه شود و این وضعیت هنگامی وخیم تر می‌شود که آراء فقها نیز به شدت متعارض و متضاد می‌نمایند و این همان بحرانی است که این روزها زوجین نابارور با آن روبه رو میشوند، دیگر اشکال بزرگ قانون ما نامشخص بودن وضعیت حقوقی اطفال حاصل از انواع تلقیح مصنوعی است. برای مثال کودکان حاصل از اهدای گامت که خود در تولدشان هیچ نقشی ندارند مانند سایر کودکان باید از برخی حقوق مادی بهره مند شوند، اینان از پدر و مادر طبیعی خود به جهت مجهول بودن ارث نمی‌برند و از سوی دیگر با گیرندگان اسپرم و تخمک نیز رابطه نسبی ندارند، پس تکلیف این کودک از نظر بهره‌مندی از مایملک پدر و مادر حکمی چگونه خواهد بود.^۲

باید بدانیم استفاده از روش‌های درمانی کمک باروری به همان اندازه که می‌تواند مشکلات ناشی از نداشتن فرزند در خانواده‌ها را پاسخگو باشد، در صورت قانون مند نبودن آن می‌تواند نابسامانی‌هایی را نیز در جامعه موجب گردد. آذرواقع با توجه به ابهامات قانون و تشتت آراء فقها دیگر نمی‌توان سکوت قانون را پذیرفت و آن را محل حقوق حقه اشخاص نخواند. چراکه تشتت آراء فقهی و حقوقی، حاصلی جز اضطراب و تشویش خاطر برای درمان جو ندارد.

۴- نمونه‌ای از خلاء قانونی تلقیح با اسپرم اهدایی

خلاء قانونی گاه سبب سردرگمی قضاوت و محاکم قضایی می‌شود که اگر پیش از این چاره اندیشیده بودند و قوانین

^۱ مهرپور، پیشین، ص ۱۶۷.

^۲ نسیم، برهانی، فتانه، فریفته، محمود، عباسی، تابستان ۱۳۸۸ اصل بنیام بودن و محرمانگی در اهدای گامت و جنین، چالش هزاره سوم، مجله اخلاقی پزشکی، ش ۸، ص ۱۷۹

^۳ مرغانی، پیشین، ص ۱۳۶

طرف دیگر اختلاف آراء به حدی است که مخاطب پس از مطالعه فتاوی نمی‌تواند به انتخاب واحد و متفق‌القولی در هیچ یک از موضوعات دست یابد. اما در حالت کلی باید گفت که دین اسلام به دلیل جامعیت و تمامیتی که دارد، پاسخگوی همه این نیازها بوده است. البته منظور از پاسخگویی اسلام به نیازهای گوناگون جوامع مختلف بشری، این نیست که همه موضوعات با شکل صریح در منابع و متون دینی وجود داشته‌اند. در نهایت اینکه با توجه به تشتت آراء فقهی یک راه حل این است که تا زمانی که قانون حکم قضیه را مشخص نکرده است، در مسایل حکومتی و احکام مرتبط با آن، حکم ولی فقیه نافذ

است و قاضی برای پرهیز از تشتت آراء ضروری است فتوا و حکم ایشان را مستند قرار دهد. همچنین برای کودکانی که از لقاح مصنوعی متولد می‌شوند قانون‌های حمایتی در نظر گرفته شود تا در صورت طلاق و جدایی والدین، کودک دچار مشکل نشود. پیشنهاد آخر اینکه قوانینی تصویب شود تا مانع خرید و فروش اسپرم در برخی از افراد با انگیزه نژادپرستی، جذب اسپرم نابغه‌ها نخبگان، قهرمانان و افراد با ظاهر زیبا به لحاظ عرفی شود، چرا که در نهایت منجر به قهقرایی اجتماعی می‌شود و حتی در برخی از حالات می‌تواند منجر به از بین رفتن برخی قومیت‌ها و نژادها و .. شود.

منابع

- رضانیا معلم، محمدرضا، (۱۳۸۶)، باروری‌های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، قم، بوستان کتاب
- مکارم شیرازی، ناصر، (پاییز ۱۳۷۵). پرسشهای نو پیدا، فقه اهل بیت، ش ۷
- نیکزاد، عباس، سید غلامعلی، جورسرای، (تابستان ۱۳۸۶)، بررسی احکام وضعی اهدای گامت، مجله دانشگاه علوم پزشکی بابل، دوره نهم، ش ۳
- ریاضت، زینب، (بهار ۱۳۹۱)، چالش‌های فقهی، حقوقی و اخلاقی تلقیح مصنوعی و رویارویی با حق باروری زوجین نابارور، فصلنامه حقوق پزشکی، ش ۷۷، محلاتی، شهربانو، (۱۳۸۴)، بررسی خلاءهای قانونی حقوق کودک (۱)، ناشی از تلقیح مصنوعی، تهران، نشر شورای فرهنگی اجتماعی زنان، مرفائی، سیدطه، (بهار و تابستان ۱۳۸۳)، نسب ناشی از لقاح مصنوعی با دخالت عامل بیگانه، مجله مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۵
- شلتوت، محمود، (۱۳۸۱)، الفتاوی، زاهدان، نشر صدیقی، زفاء، مصطفی، (بیتا)، خلق الانسان بین الصلب و القرآن، مجله الامه القطریه
- روحانی علی آبادی، محمد، (۱۳۸۵)، حکم شرعی تلقیح اسپرم و نطفه بیگانه، روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق مجله پژوهشگاه و مرکز درمان ناباروری ابن سینا
- قلی‌زاده، سیدابراهیم، (بهار ۱۳۸۹)، تغییر سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای امنیتی آن، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۱۳ ش ۶
- علوی قزوینی، سید علی، ۱۳۸۲، آثار حقوقی تلقیح مصنوعی در ایران، مجله نامه مفید، ش ۳
- وطن خواه، رضا، (تابستان ۱۳۸۶)، تلقیح مصنوعی از دیدگاه اخلاق و حقوق کیفری، مجله حقوق پزشکی، ش ۱
- تاتاری فرین (۱۳۹۳)، بوسف، محمد پور، لایلا افشار، احسان، شمسی، محمد، عباسی، بررسی ابعاد اخلاقی اهدای جنین و گامت از منظر اصول چهار گانه مجله اخلاق پزشکی، ش ۲۷
- صادقی مقدم، محمد حسن، (زمستان ۱۳۸۳)، باروری مصنوعی از دیدگاه حقوق اسلام، مجله مدرس علوم انسانی، ش ۳۷
- کوشا، ابوطالب و آرش ابراهیم، (پاییز ۱۳۹۰)، تابعیت اطفال متولد از تلقیح مصنوعی، مجله حقوق پزشکی، ش ۱۸
- آخوندی، محمدمهدی، (اردیبهشت ۱۳۷۹)، تست های آزمایشگاهی ناباروری مردان، مجله پیام باروری و ناباروری سال اول، ش ۱۰
- بابکی، محمد، (۱۳۹۳)، تلقیح مصنوعی و احکام آن در آثار فقهی امام خمینی (ره)، تهران، نشر عروج
- علامه حلی، حسن (۱۳۷۲)، تذکره الفقهاء، قم، نشر آل البیت (ع)، ج ۲۰
- مومنی، عابدین، سید جلال موسوی نسب (بهمن ۱۳۹۱)، تلقیح مصنوعی و وضعیت نسب مولود حاصل از آن در تاملات اندیشمندان فقه و حقوق، معرفت، ش ۱۸۲
- صافی، لطف‌الله، (۱۳۸۶)، جامع الاحکام (فارسی)، قم، نشر دفتر تنظیم و نشر آثار آیت‌الله علی صافی گلپایگانی
- فاضل لنکرانی، محمد، (۱۳۷۷)، استفتانات، قم
- سلیمی البزئی، فرشه، (۱۳۹۰)، محشای قانونی مدنی، تهران، نشر جاودانه
- موسوی بجنوردی، سید محمد، جبار زارع، مرضیه، (زمستان ۱۳۸۸)، بررسی نسب کودکان ناشی از تلقیح مصنوعی با رویکردی بر نظر امام خمینی، مجله پژوهشنامه متین، ش ۲۱

- امامی، اسدالله (۱۳۹۲)، مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه، تهران، نشر میزان
- مهریور، حسین، (۱۳۷۶)، نگرشی بر وضعیت حقوقی و شرعی باروری مصنوعی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۹
- علوی قزوینی، سیدعلی، (۱۳۸۲)، آثار حقوقی تلقیح مصنوعی در ایران، مجله نامه مفید، ش ۳
- حرم پناهی، جعفر، (۱۳۷۶)، تلقیح مصنوعی، مجله فقه اهل بیت، سال ۳، شما ۱۵۷
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸)، حقوق مدنی خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۲
- گرگی، ابوالقاسم و همکاران، (۱۳۸۴)، مطالعه تطبیقی حقوق خانواده، تهران، نشر دانشگاه تهران، ج ۲
- علیزاده، لیلا، سیدطه، مرقائی، رضا سامانی، (زمستان ۱۳۸۸) اهدای ترکیبی گامت و رحم اجاره‌ای و حقوق والد. فرزندی، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۷۹)، حقوق جزای عمومی ایران، تهران، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، ج ۱
- زاهدی، عاطفه، (۱۳۹۱)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر جاودانه
- کمالوند، امیر، (۱۳۹۱)، قانون آیین دادرسی مدنی، تهران، نشر مشاهیر دادآفرین
- گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، (۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران، نشر چتر دانش
- رضائیمعلم، (۱۳۸۶)، باروری های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، قم، نشر بوستان کتاب
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۰)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش
- رضائیمعلم، رضا، (۱۳۸۲)، نظریه، قوانین و مبانی مشروعیت باروری های پزشکی (۲)، مجله رهنمون، ش ۳
- خوش نیت، زهرا، (بی تا)، مطالعه فقهی پدیده نوین اهدای گامت و جنین، فصلنامه دومین همایش بررسی ضوابط شرعی در پزشکی، ۲۰۶
- ایران مهر، رضا (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸)، اهدای گامت، مجله قضاوت، ش ۵۶
- نسیم، برهانی، فتانه، فریفته، محمود، عباسی، تابستان ۱۳۸۸ اصل بینام بودن و محرمانگی در اهدای گامت و جنین، چالش هزاره سوم، مجله اخلاق پزشکی، ش ۸ ص ۱۷۹

کوشا، ابوطالب، ابراهیمی، آرش، پاییز ۱۳۸۹، ارث کودک ناشی از تلقیح مصنوعی، مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۵۵

Sauer Mv, Paulsom RJ, Francis MM(1995). Preimplantation adaption;establishing pregnancy using donated cocytes and spermatozoa. Human Reproduction: 10: 1419-22.

*Original Article***Investigating the jurisprudential and legal considerations of sperm donation in the treatment of infertility**

Received: 22/11/2019 - Accepted: 10/01/2020

Mahdi Ghafourizad^{1*}
Afsaneh Amirian¹*¹PhD student in Private Law, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan), Iran*Corresponding author:
Mahdi Ghafourizad, PhD student in Private Law, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan), Iran

Email: ghafourizad231@yahoo.com

Abstract

Introduction: Today, couples with infertility treatment conditions are divided into four categories according to the type of treatment method, which includes: sperm donation, egg donation, embryo donation and rental uterus. Each of these methods also faces its own jurisprudential and legal challenges. In this article, we try to examine the jurisprudential and legal aspects of sperm donation. Compared to the last four methods, the two methods of embryo donation and uterine uterus faced the least challenges and problems in jurisprudence and law, but sperm donation is still controversial in terms of jurisprudence and law. Issues such as inheritance, paternal and maternal relationship, inheritance from sperm donation and from a jurisprudential point of view have not yet been resolved. The issue of fertility and sanctity of fertility through donated sperm is also one of the new issues that is being studied by mujtahids with ijthad as one of the characteristics of Shiites. The present article, with its jurisprudential and legal approach, seeks to examine the dimensions, challenges and effects of sperm donation.

Key words: Sperm Donation, Infertility, Jurisprudential Challenges, Legal Challenges

Acknowledgement: There is no conflict of interest.